

## بررسی و نقد مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون<sup>۱</sup>

مجید حیدری فر<sup>۲</sup>

حسن رضایی مهر<sup>۳</sup>

### چکیده

در طول تاریخ، مدعیان مهدویت، برای اثبات حقانیت خود، به متون دینی استناد کرده و با تطبیق نادرست آیات و روایات به نفع خود، برای انحراف افکار متدینان جامعه بهره جسته‌اند. هدف این پژوهش، پاسخگویی به پرسش پیش روست: «تطبیقات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون چیست و نقدهای وارد بر آن کدام است؟» در بیان ضرورت تحقیق، همین بس که جریان‌های انحرافی در تطبیقات قرآنی، بیش از این که دغدغه فهم مدالیل و مراد جدی آیات را داشته باشند؛ آن‌ها را وسیله‌ای برای تأیید عقیده خود قرار داده‌اند. بی‌توجهی به سیاق آیات و دقت نکردن در چگونگی استنباط و برداشت نادرست از روایات تفسیری سبب شده است که جریان احمد اسماعیل بصری، از برخی آیات درباره مهدیون، فهم غلط داشته باشند. همچنین تفسیر به رأی و بدون پشتوانه نقلی و عقلی مقبول، به تطبیق باطل آیات قرآن بر شخص خاص انجامیده است. روش تحقیق در این نوشتار، نقلی - وحیانی (تحلیل متنی و بینامتنی آیات و روایات) و گردآوری دادها با شیوه کتابخانه‌ای و استناد به اسناد نوشتاری و روش داده‌پردازی تحلیلی و انتقادی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تطبیقات قرآنی وی در مورد مهدیون با معیارهای درست تطبیق سازگار نیست.

**واژگان کلیدی:** احمد اسماعیل بصری، تطبیقات قرآنی، حجج الاهی، مهدیون، دابة الأرض.

۱. این مقاله مستخرج از رساله سطح چهار حوزه با عنوان «نقد تطبیقات قرآنی احمد اسماعیل بصری درباره حجج الاهی» است.

1370mhf@gmail.com

۲. استاد حوزه و دانشگاه.

rezaei59@gmail.com

۳. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم. (نویسنده مسئول)

## بیان مسئله

اندیشه مهدویت یا منجی موعود موجود، اندیشه‌ای فراقومی و فرادینی است؛ زیرا به وسیله منجی موعود، پلیدی‌های انسان خودمحور و ستمگر بر پهنه هستی پایان خواهد یافت و جهان با چراغ عدالت روشن خواهد شد و دیو ستم جایش را به فرشته دادگر خواهد داد.

یکی از اصلی‌ترین آسیب‌ها در باب مهدویت، مدعیان جهل گسترند که از شوق دلدادگان و منتظران، مشعل بدلی می‌افروزند و در غیبت صاحب اصلی جاه، جامه دروغین می‌دوزند و چون تشنگی بشر را حس می‌کنند، سراب آراسته را جای آب خواسته به گزاف عرضه می‌دارند؛ هر چند سنت قطعی خدا، رسوایی این قوم فتنه‌آفرین است؛ چون خدا نگاهبان دین است و اینان دشمنان ناکام: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف: ۸).

در روزگار ما، احمد اسماعیل بصری از زمره این مدعیان پر آوازه و جریان ساز است که بخشی از بازار گرم مدعیان را اداره می‌کند. آنچه می‌تواند میان اهالی دانش قابل جست و جو و گفت و گو باشد، پرسش از درستی یا نادرستی تأویلاتی است که وی بر مدار آن، ادعاهایش را بنا نهاده و در پی اثبات خویش است. این پژوهش، در مقام نقد تأویلات قرآنی احمد اسماعیل بصری در مورد مهدی نخست از مهدیون دوازده‌گانه است.

در نقد جریان انحرافی احمد اسماعیل بصری، کتاب‌ها و مقالاتی متعدد انتشار یافته است. در این پژوهش، با نگاهی همه جانبه، تطبیقات قرآنی جریان انحرافی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون، در چارچوبی منطقی و استدلالی نقد شده است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که یکی از روش‌های احمد بصری در تطبیقات قرآنی در موضوع مهدیون، بهره‌مندی از روایات در این حوزه است. لذا در تحقیق پیش‌رو، روایات مورد استناد جریان بصری بررسی شده‌اند.

## مفهوم شناسی

در ذیل گزارش کوتاهی از معانی لغوی و اصطلاحی واژگان تحقیق ارائه می‌شود:



## ۱. حَجَّت

«حجج» بر وزن عُرِف جمع «حجَّت» از ریشه «حجج» به معنای دلیل و برهان است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۳۴۱). حج، به معنای قصد است. از این رو، آهنگ خانه خدا برای انجام دادن مناسک را حج می‌گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۹) و ارجاع واژه حجَّت به حج ممکن و محتمل است؛ زیرا خودِ حجت مقصود است یا به وسیله آن، حَقِّ مطلوب قصد می‌شود (همان، ص ۳۰). بنابراین، «حجج الله» همان برهان‌ها و دلایل منصوب از ناحیه خدایند.

گاه باطل نیز جامه حق بر تن می‌کند و عنوان حجَّت می‌گیرد. قرآن مجید چنین حجتی را «داحض = شکست خورده» می‌خواند: «وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (شوری: ۱۶). به بیان امام علی علیه السلام اگر چیزی به گمان منحرفان، حجَّت قلمداد شد، بطلان آن در صحنه نمایش حقیقت آشکار می‌گردد: «فکم حجّة یوم ذاک داحضة؛ دلیل‌های بسیاری در آن روز، باطل می‌گردند» (نهج البلاغه: خ ۲۲۳).

«حجَّت» در اصطلاح منطق، به معنای آن است هر يك از دو طرف دعوا، برای اثبات مدّعی خویش دلیلی می‌آورد و براساس آن، بر خصمش احتجاج می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۰). این معنا می‌تواند با همان معنای لغوی، یعنی برهان همسو باشد (ازهری، ۲۰۰۱: ج ۶، ص ۱۵۸). در تعریف نهایی آن می‌توان گفت: حجَّت همان عامل ایمنی از مؤاخذه و تعقیب در ارتکاب یا ترك فعل است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۲۷).

## ۲. تَأْوِيل

واژه «تأویل» در دانش تفسیر، کلام، اصول، فقه، فلسفه و عرفان کاربرد و جایگاه ویژه‌ای دارد. تأویل در لغت از ریشه «أول»، به معنای رجوع است (ازهری، ۲۰۰۱: ج ۱۵، ص ۳۱۴). «أول الحکم إلی أهله»؛ یعنی حکم را به اهلش برگرداند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۵۸). تأویل به معنای تفسیر و سرانجام و عاقبت شیئی نیز آمده است (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۱۶۲۷). مراد از تأویل برگرداندن ظاهر لفظ از معنای اصلی است، به معنایی که دلیلی بر آن قائم است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۸۰).



### ۳. جری و تطبیق

«جری» در لغت، به معنای عبور سریع است و در اصل وضع شده است برای بیان حرکت آب و آنچه با آب جریان می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۱۹۴). واژه مذکور در قرآن کریم، معنای روان و جاری شدن را می‌رساند (غاشیه: ۱۲؛ الرحمن: ۵۰ و روم: ۴۶). همچنین گاه واژه جری با سیاق اسم فاعل درباره کشتی (حاقه: ۱۱؛ ذاریات: ۳ و شوری: ۳۲)، و ستاره (تکویر: ۱۶) به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۶۵). «تطبیق» در لغت به معنای چیزی است که چیز دیگری را بپوشاند. «طَبَّقَ السَّحَابُ الْجَوَّ»؛ یعنی ابر، آسمان را پوشانید (همان، ج ۸، ص ۱۲۰). جری و تطبیق در اصطلاح تفسیر، به انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی گفته می‌شود که در مورد غیر از آن‌ها نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۶۷).

### ۴. مهدیون

«مهدی» اسم مفعول ثلاثی مجرد از ریشه «هَدَى»، به معنای «هدایت‌گر» و «هدایت شده» است. مهدی یعنی کسی که خدا به راستی، او را به راه حق برده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۴، ص ۲۴۴).

یکی از موضوعات مطرح در روایات آخرالزمانی، وجود دوازده مهدی بعد از رحلت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. احمد بصری و پیروانش در موارد متعددی، پاره‌ای از آیات قرآن را بر مهدیون تطبیق کرده و احمد بصری را به عنوان اول مهدی، یا یکی از مهدیون معرفی کرده و در این امر، روش‌های تفسیر روایی و تفسیر به رأی را بکار برده‌اند.

### پژوهشی در مورد روایات مهدیون

احمد بصری و پیروانش در مورد روایات دوازده مهدی، رویکرد انتفاعی دارند، نه اعتقادی. پس شایسته است در ادامه این نوشتار به بررسی روایات مهدیون پرداخته شود تا کژاندیشی و انحراف این جریان برای حقیقت جوین آشکار شود. در مورد مهدیون دو دسته روایات وجود دارند:

یک: روایاتی که مهدیون را همان ائمه معصوم معرفی می‌کنند:



قَالَ الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِثْنَا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، أَوْفُئْمُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ النَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَخِي اللَّهَ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ خاندان ما دوازده مهدی دارد که نخستین آنان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و آخرینشان نهمین فرزند من است که او امام قائم به حق می‌باشد و خدای متعال زمین را به واسطه او پس از موت زمین، زنده می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۷).

**دو:** روایاتی که صراحت دارند یا از فحوای آن‌ها فهمیده می‌شود که مهدیون غیر از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا أَبَا حَمَزَةَ إِنَّ مِثْنَا بَعْدَ الْقَائِمِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ای اباحمزه! پس از قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ، یازده مهدی از ما و نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهند آمد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۷۸ و حلی، ۱۴۲۱: ص ۱۶۶).

جریان احمد بصری با تمسک به گروه دوم از روایات مهدیون، معتقد است که دوازده مهدی پس از وفات امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ با وصف امام، حکومت و رهبری جامعه را بر عهده می‌گیرند.

### چگونگی جمع میان روایات مهدیون

یکی از عوامل برداشت نادرست از روایات، نبود منظومه موضوعی و خانواده حدیثی و استناد به برخی روایات و غفلت از روایات همگون است. پیش از بررسی کلان و جمع‌بندی روایات و برای دستیابی به نتیجه‌گیری صحیح به چند نکته باید توجه کرد:

#### ۱. محصور بودن امامان در عدد دوازده

در روایات فراوانی، تعداد ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در دوازده نفر از اوصیای پیامبر گرامی از امام نخست امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ تا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ محصور شده است: «فقال له أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ اثْنِي عَشْرًا إِمَامًا مَهْدِيًّا مِنْ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّهَا وَ هُمْ مَعِي» (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۲۹).

#### ۱-۱. مهدیون عام

در برخی روایات، به وجود دوازده مهدی پس از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره شده است؛ اما با این خصوصیت که آن‌ها امام نیستند؛ بلکه شیعیانی هستند که مردم را به ولایت و معرفت اهل



بیت علیه السلام دعوت می‌کنند:

عن أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ أَبِيكَ أَنَّهُ قَالَ يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَقَالَ إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَمَنْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَلِكَمُّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مُوَالَاتِنَا وَمَعْرِفَةِ حَقِّنَا؛ پس از قائم دوازده مهدی خواهد بود، امام صادق علیه السلام فرمود: دوازده مهدی گفته است نه دوازده امام آنها قومی از شیعیان ما هستند که مردم را به موالات و معرفت حق ما می‌خوانند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۵۸).

### ۲-۱. مهدیون خاص

در روایات گوناگونی از امامان معصوم علیهم السلام، به مهدیون یاد شده است؛ همانند روایتی که ذکر

شد (همان: ج ۱، ص ۳۱۷) و روایتی از سلمان فارسی:

قُلْنَا يَوْمًا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنِ الْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ حَتَّى نَعْلَمَهُ قَالَ: ... إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيٌّ وَ وَارِثٌ قَائِدُ الْعُرَى الْمُحْجَلِينَ وَ الْحَامِلُ غَدَا لِيَوَاءَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ هُوَ وَ وَلَدَاهُ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ ابْنِي أُمَّتِي تَسَعَةَ هُدَاهُ مَهْدِيُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ روزی به پیامبر گفتیم یا رسول الله خلیفه بعد از شما کیست تا او را بشناسیم ... همانا علی ابن ابیطالب علیه السلام وصی و وارث من و پیشوای شهرت یافتگان و حامل لوای پروردگار عالم است او و دو فرزندش بعد از او، سپس از نسل فرزندان حسین علیه السلام نه امام بعنوان مهدی تا روز قیامت هستند (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ص ۴۸۷).

### ۳-۱. خالی نشدن زمین از حجت

از مباحث کلیدی در اندیشه امامیه، خالی نشدن زمین از حجت است. در برخی کتاب‌های حدیثی، بابی با نام «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّتِهِ» گشوده شده است: «عن الحسين بن أبي العلاء قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تَكُونُ الْأَرْضُ لَيْسَ فِيهَا إِمَامٌ؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: يَكُونُ إِمَامَانِ؟ قَالَ: لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ؛ به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ فرمود: نه، گفتم: دو امام در یک زمان وجود دارد؟ فرمود: نه، مگر این‌که یکی از آنها ساکت باشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۷۸).



## ۲. رجعت امامان علیهم السلام

یکی از موضوعات مباحث آخر الزمان، «رجعت» است. در برخی روایات آمده است که پس از شهادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام به دنیا باز می‌گردند و هدایت و رهبری جامعه را برعهده می‌گیرند: «عن علی بن الحسین علیه السلام فی قوله: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِّكَ إِلَى مَعَادٍ»؛ قَالَ: يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام؛ امام سجاد علیه السلام ذیل آیه ۸۵ سوره قصص فرمودند: پیامبر شما و امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام همگی رجعت می‌کنند» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۴۷).

## ۳. جمع بندی روایات دوازده مهدی

۱-۳. تعداد ائمه دوازده نفر است، نه سیزده نفر و در برخی روایات به نام همه آنان اشاره شده است؛ اما بر پایه ادعای احمد بصری که مهدی نخست را جزء ائمه می‌شمارد، تعداد ائمه سیزده نفر می‌شود و در هیچ روایتی، نامی از مهدی نخست با صفت امام ملاحظه نمی‌شود.

۲-۳. در برخی روایات، از امامان دوازده‌گانه به «مهدیون» یاد شده است و با توجه به روایات رجعت، می‌توان گفت منظور از دوازده مهدی پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان ائمه اطهار علیهم السلام هستند که به دنیا باز می‌گردند.

۳-۳. اگر مراد از دوازده مهدی پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کسانی غیر از پیشوایان دوازده‌گانه باشند، دو احتمال متصور است:

۱-۳-۳. مهدیون با وصف امام، حکومت و هدایت جامعه را پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برعهده می‌گیرند. در این صورت دو اشکال وجود دارد:

۱-۳-۳. تعداد ائمه بیست و چهار نفر خواهد بود؛ با آن که دوازده نفر بودن امامان و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مسلمات اسلام است.

۲-۱-۳-۳. این سخن با دیگر روایات متعارض است؛ زیرا امام صادق علیه السلام امامت را از مهدیون نفی و آنان را با این صفت معرفی می‌کند: «شیعیان و دعوت کنندگان به موالات و معرفت اهل بیت علیهم السلام».

۲-۳-۳. مهدیون فقط مردم را به موالات و معرفت اهل بیت فرا می‌خوانند و پس از امام



زمان عَلَيْهِ السَّلَام، نقش امامت و حکومت ندارند. در این صورت، با روایات خالی نشدن زمین از امام ناسازگار است.

با توجه به مباحث پیش گفته، مهدیون دو گروه هستند: مهدیون خاص که همان امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند که هنگام رجعت پس از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام حکومت خواهند کرد و مهدیون عام که پس از شهادت آن حضرت و در دوران رجعت امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام مردم را به موالات و معرفت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام دعوت می کنند.

### بررسی اشتباهات تفسیری احمد اسماعیل بصری در تطبیق آیات قرآن بر مهدیون

احمد اسماعیل بصری و پیروان او در آثار مختلف، به تفسیر و تاویل و تطبیق آیات قرآن بر مهدیون پرداخته اند که مهم ترین آن ها، کتاب «المتشابهات» است و احمد را به عنوان اول مهدی معرفی کرده اند. این پژوهش به دنبال اثبات این نکته است که تطبیق های قرآنی احمد اسماعیل بصری و پیروان او در مورد مهدیون، با دلایل عقلی و نقلی در تعارض هستند و لذا آن چه در این مقاله بررسی می شود، پنج مورد از تطبیق هایی است که مخالفت آن ها با دلایل عقلی و نقلی آشکار است:

#### ۱. اشاره «وَالزَّيْتُونِ» به مهدی نخست

احمد اسماعیل بصری در تفسیر آیه «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ \* وَطُورِ سِينِينَ \* وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»؛ قسم به انجیر و زیتون [یا قسم به سرزمین شام و بیت المقدس] و سوگند به «طور سینین» و قسم به این شهر امن [=مکه] (تین: ۱-۳)؛ می گوید:

«وَالَّتَيْنِ» حضرت فاطمه و «الزَّيْتُونِ» حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام و «طُورِ سِينِينَ» وادی السلام در نجف است؛ چون فرشتگان طور سینا را به این مکان انتقال داده اند و «هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. انجیر و زیتون در زمان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، مصادیق دیگری دارند و شهر امن، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است.

«زیتون» به یک شخص اشاره دارد که همان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است. او از زمره مهدیون است و گاه جزء ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به شمار می رود (البصری، بی تا: ج ۴، ص ۶۶ - ۶۹).

بر اساس این؛ وی خود را «زیتون» سوره تین می داند. در ادامه با استناد به روایات





معصومان علیهم السلام که دوازده امام را از فرزندان حضرت علی و حضرت فاطمه علیها السلام می دانند؛ مهدی یکم را جزء ائمه به شمار می آورد. برخی روایات مورد استناد احمد بصری از این قرار است:

یک.

زُرَّارَةَ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ الْإِثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ هُمَا الْوَالِدَانِ؛ شنیدم ابو جعفر علیه السلام می فرمود: دوازده امام از آل محمد صلی الله علیه و آله همگی مُحَدَّث هستند [=فرشتگان با آنها سخن می گویند]. آنها همگی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان علی علیه السلام هستند و رسول الله و علی علیه السلام پدران آنها هستند» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۱).

دو.

جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ علیها السلام وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ عجل الله تعالى فرجه الشريف ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ؛ جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر علیه السلام چنین نقل می کند: در حالی محضر فاطمه علیها السلام وارد شدم که در دستانش لوحی بود و در آن، نام های اوصیا از فرزندانش. آنها را شمردم؛ دوازده نفر بودند. آخرین آنها قائم عجل الله تعالى فرجه الشريف و سه نفرشان محمد و سه نفرشان علی نام داشتند (همان، ص ۵۳۲ و البصری، بی تا: ج ۴، ص ۶۶-۶۹).

## ۱-۱. نقد و بررسی

ادعای احمد اسماعیل بصری دو چیز است: تطبیق زیتون بر مهدی نخست و احتساب او از ائمه.

### ۱-۱-۱. بیان اجمالی آیه

مراد از کلمه «تین» و «زیتون» دو میوه معروف است که خدای متعال به آنها سوگند یاد کرده است؛ به سبب این که این دو میوه فواید بسیاری دارند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۷۷۵). برخی دیگر گفته اند منظور از تین، کوهستانی است که دمشق بر بلندی آن واقع شده و منظور از زیتون، کوهستانی است که بیت المقدس بر بالای یکی از کوه هایش بنا شده و اطلاق نام دو میوه انجیر و زیتون بر این دو کوه، شاید به این دلیل باشد که در این دو منطقه می رویند و سوگند خوردن به



این دو منطقه نیز شاید از آن روست که انبیای بسیاری در این دو منطقه مبعوث شده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۳۰، ص ۱۷۳).

مراد از طُورِ سِینین، کوهی است که در آن، خدای والا با حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ سخن گفت و طور سینا نیز نامیده می‌شود و مراد از «هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» مکه است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ص ۳۱۹).

### ۱-۲. عدم تطبیق زیتون بر مهدیون دوازده‌گانه در روایات

براساس بررسی روایات تفسیری، هیچ روایتی در اثبات ادعای احمد بصری مبنی بر تطبیق زیتون بر مهدیون دوازده‌گانه وجود ندارد. برای نمونه، محدث قمی چنین نقل می‌کند: «مراد از تین، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مراد از زیتون، امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و مراد از طور سینین، حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۴۳۰).

فرات کوفی نیز تین را بر امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و زیتون را بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و طور سینا را بر امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و بلد امین را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تطبیق کرده است (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۷۸). فیض کاشانی به نقل از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ مراد از تین را مدینه، منظور از زیتون را بیت المقدس، مقصود از طور سینین را کوفه و بلد امین را بر مکه منطبق دانسته است. گاه نیز - مانند آنچه پیش‌تر گذشت - آن را بر اسامی افراد یاد شده تطبیق کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۳۴۶).

### ۱-۲. بررسی احتساب مهدی نخست از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

احمد بصری در مورد مهدی نخست می‌گوید: او از زمره مهدیون است و گاه جزء ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به شمار می‌رود. وی مدعی است که برخی روایات، دوازده امام را از فرزندان امام علی و حضرت فاطمه خوانده و مهدی نخست را نیز جزء ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به شمار آورده‌اند (البصری، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۱۰). در بررسی و نقد این ادعای احمد اسماعیل بصری، به نکاتی اشاره می‌شود:

### ۱-۲-۱. حصر امامان در دوازده نفر

روایات فراوانی در این باب وجود دارند که امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را در عدد دوازده منحصر می‌دانند. بنابراین، ادعای الحاق مهدی نخست به ایشان، سخنی است گزاف و ناسازگار با متون



روایی. شیخ صدوق به نقل از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر آیه «اولی الامر» به اسم تمام این دوازده تن تصریح و در پایان، بهره‌مندی مردم را از حجت غایب، به بهره‌مندی از خورشید در روز ابری تشبیه کرده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۵۳). در برخی روایات ضمن اشاره به دوازده تن بودن حجت‌های الهی، به نام نخستین و آخرین ایشان اشاره شده است (همان، ص ۲۵۴).

### ۳-۱. بررسی روایات سیزده امام

احمد بصری در مورد مهدیون می‌گوید: در برخی روایات، دوازده امام از فرزندان حضرت علی و حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ خوانده شده‌اند. پس معلوم می‌شود مهدی نخست از دوازده مهدی نیز جزء ائمه است تا روایات دوازده امام از فرزندان ایشان روشن گردد. اکنون روایات مورد ادعای وی بررسی می‌شود:

#### ۱-۳-۱

جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَجَاهُ السُّنَنُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ؛ جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که در حالی محضر فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ وارد شدم که در دستانش لوحی بود و در آن، نام‌های اوصیا از فرزندان ایشان دیده می‌شد. آن‌ها را شمردم دوازده نفر بودند؛ آخرین آن‌ها قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَجَاهُ السُّنَنُ و سه نفر محمد و سه نفر علی بود» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۲).

در این روایت، «من ولدها» آمده؛ پس ممکن است گفته شود دوازده امام عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از فرزندان حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ هستند؛ در حالی که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرزند ایشان نیست، پس مهدی نخست، به عنوان نفر دوازدهم در این روایت است.

احمد بصری نیز تنها از عبارت «من ولدها» به چنین تطبیقی رسیده است؛ اما این تطبیق درست نیست؛ زیرا در بیان مقصود از «من ولدها» چند احتمال وجود دارد:

۱-۳-۱-۱. از باب تغلیب باشد؛ یعنی چون یازده نفرشان از اولاد حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ هستند، در عرف گفته می‌شود همه از اولاد اویند و این نوع کاربرد، مرسوم و صحیح است.

۱-۳-۱-۲. احتمال تصحیف و زیادی «من ولدها» در عبارت وجود دارد؛ زیرا این روایت را شیخ



صدوق در کتاب کمال الدین بدون عبارت «من ولدها» نقل کرده است: «جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَليَها السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ مَكْتُوبٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ أَزْبَعَةُ مِنْهُمْ عَلِيٌّ؛ بر فاطمه عَليها السَّلَامُ وارد شدم و لوحی در بین دستان ایشان بود که در آن اسمای اوصیا نوشته بود که تعدادشان ۱۲ نفر بود و آخرین ایشان قائم عَليها السَّلَامُ سه نام محمد و چهار نام علی در بین ایشان بود» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۱).

۱-۳-۲. در مورد این موضوع، علاوه بر حدیث مذکور، بلکه حدیث دیگری هست که راه هر گونه احتمال و برداشت نادرستی را می بندد؛ چون در آن حدیث حضرت علی عَليها السَّلَامُ را نخستین وصی پیامبر اعظم عَليها السَّلَامُ معرفی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۲۷).

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَليها السَّلَامُ يَقُولُ الْإِثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَليها السَّلَامُ كُلَّهُمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ هُمَا الْوَالِدَانِ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ رَاشِدٍ كَانَ أَخَا عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ لِأُمِّهِ وَ أَنْكَرَ ذَلِكَ فَصَرَّرَ أَبُو جَعْفَرٍ عَليها السَّلَامُ وَ قَالَ أَمَا إِنَّ ابْنَ أُمِّكَ كَانَ أَحَدَهُمْ؛ از امام باقر عَليها السَّلَامُ شنیدم می فرمود: ما دوازده امام از آل محمد هستیم که همگی محدث‌اند از نسل و از فرزندان علی عَليها السَّلَامُ؛ و رسول خدا و علی عَليها السَّلَامُ پدران آن‌ها هستند؛ بعد: علی ابن راشد برادر مادری علی بن حسین چیزی گفت و منکر این کلام شد، امام باقر عَليها السَّلَامُ فریاد سختی زد و فرمود: همانا پسر مادر خودت هم یکی از آنها است (مقصود امام سجاد عَليها السَّلَامُ است) (همان، ص ۵۳۱).

در این روایت، چون من «ولد رسول الله ﷺ و ولد علی بن ابی طالب عَليها السَّلَامُ» آمده است؛ می‌توان گفت که بر امامت مهدی نخست دلالت دارد. در جواب باید گفت:

۱-۳-۲-۱. چنین تعبیراتی از باب تغلیب است.

۱-۳-۲-۲. در نقل تفاوت وجود دارد. شیخ صدوق همین روایت را چنین آورده است: «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَليها السَّلَامُ يَقُولُ نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلَّهُمْ مُحَدَّثُونَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْهُمْ» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۵۶).

۱-۳-۲-۳. در روایت دیگری آمده است که دوازده امام، علی و یازده فرزندش هستند. بنابراین، جای این شبهه باقی نمی‌ماند که چون امام علی فرزند حضرت فاطمه نیست؛ پس یکی از مهدیون دوازده‌گانه (مانند احمد بصری) یکی از دوازده امام خواهد بود:

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ إِثْنَا عَشَرَ الْأَيَّامَةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ع كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص؛ زرارة می گوید: شنیدم امام باقر ع فرمود: دوازده امام از آل محمد، همه آن ها کسانی هستند که فرشتگان با ایشان حدیث کنند و آنان علی بن ابی طالب و یازده فرزندان اویند و رسول خدا ص و [امام] علی، دو پدر هستند (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۴۷).

## ۲. نزول فرشتگان در شب قدر بر مهدیون

پیروان احمد بصری در تفسیر آیه «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْتِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ»؛ فرشتگان و روح در آن شب، به اذن آفریدگار و پروردگارشان برای تقدیر هر کاری نازل می شوند» (قدر: ۴)؛ به روایتی از امیرمؤمنان ع استناد کرده و آورده اند:

و أما قوله [تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ] فإنه لما بعث الله محمد ص و معه تابوت من دُرٍّ أبيض له اثنا عشر باباً، فيه رق أبيض فيه أسامي الاثني عشر، فعرضه على رسول الله ص و أمره عن ربه أن الحق لهم و هم أنوار. قال: و من هم يا أمير المؤمنين؟ قال: أنا و أولادى الحسن و الحسين و على بن الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمد بن على و على بن محمد و الحسن بن على و محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليهم أجمعين، و بعدهم أتباعنا و شيعتنا المقرون بولايتنا المنكرون لولاية أعدائنا؛ امام علی ع نزول فرشتگان در شب قدر را، پس از امامان ع، بر افرادی دیگر جز آنان روا می داند و بر هیچ کس پوشیده نیست که فرشتگان در شب قدر فقط بر خلیفه خدا و حجت بر مردم نازل می شوند. امیرمؤمنان ع از این افراد با عنوان شیعیان و معترفان به ولایت اهل بیت نام می برد. در حدیثی دیگر کاملاً روشن می گردد که افراد مورد نظر، مهدیون هستند (www.almahdyoon.com).

أبابصير از امام صادق ع پرسید:

يا ابنِ رَسُولِ اللَّهِ إني سَمِعْتُ مِنْ أَبِيكَ أَنَّهُ قَالَ يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَقَالَ إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَ لَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لِكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مَوْلَانَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا؛ از امام باقر ع شنیدم که پس از حضرت حجت، دوازده مهدی خواهد آمد؟ حضرت در پاسخ وی فرمود: «دوازده مهدی، نه دوازده امام، آن دوازده مهدی جمعی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستداری و شناخت ما دعوت می کنند



(صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۸۵).

بدین سان فرشتگان در شب قدر بر دوازده امام عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ و پس از آن‌ها، بر دوازده مهدی نازل می‌شوند. پس مهدیون از خلفای خدای بزرگ هستند (www.almahdyoon.com).

## نقد و بررسی

### ۱-۲. بیان اجمالی آیه

سوره قدر بیانگر نزول قرآن در شب قدر است که آن را از هزار ماه بالاتر می‌داند؛ چون در آن شب ملائک و روح نازل می‌شوند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: در خواب به من نشان دادند که بنی امیه از منبرم بالا می‌روند و این معنا بر من سخت گران آمد و خدای متعالی به این مناسبت، سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را نازل کرد (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۳۷۱). بنابراین، شب قدر به مسئله مهدیون دوازده‌گانه هیچ ارتباطی ندارد و فقط به نزول قرآن و روح و ملائک در آن اشاره می‌کند.

### ۲-۲. نبود منبع برای مدعی پیروان احمد اسماعیل بصری

تنها گزارشگر روایت یاد شده «و أما قوله [تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ] فإنه لما بعث الله محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و معه تابوت من دُر أبيض له اثنا عشر باباً...»؛ یزدی حائری در کتاب الزام الناصب است. وی می‌نویسد: «لم أجد في المصادر المتوفرة لدينا ولا في الأنوار النعمانية للجزائري» (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۱۰۹).

### ۳-۲. ناسازگاری دلیل با مدعا

لازمه ادعای پیروان احمد بصری آن است که مهدیون، خلفای خدا هستند؛ چون فرشتگان در شب قدر بر دوازده امام و پس از آن‌ها بر دوازده مهدی نازل می‌شوند؛ با آن که در روایت نخست، از آن‌ها به شیعیان و معترفان به ولایت اهل بیت یاد شده است و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: آن‌ها دوازده مهدی هستند، نه دوازده امام. پس دلیل آنان با مدعایشان ناسازگار است.



## ۲-۴. نزول ملائک بر شیعیان پس از رحلت امام زمان

بر فرض پذیرش روایت، ادعای پیروان احمد بصری در مورد نزول ملائک بر پیروان و شیعیان معترف به ولایت اهل بیت و منکران ولایت دشمنان ایشان (که امام هم نیستند)؛ به بعد از رحلت امام زمان مربوط است؛ درحالی که امام زمان در حال حاضر، ظهور نکرده و در قید حیات است.

## ۲-۵. نزول ملائک در شب قدر بر علی علیه السلام و یازده امام از نسل او

بر پایه روایات، پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزول ملائک در شب قدر، فقط بر امیرمؤمنان و یازده فرزند ایشان جریان دارد:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ مِنَ السَّنَةِ وَمَا قُضِيَ فِيهَا وَلِذَلِكَ الْأَمْرِ وُلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَنَا وَ أَحَدٌ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أُمَّتُهُ مُحَدَّثُونَ؛ امیرمؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود: همه ساله شب قدر هست و در آن شب، کار یک سال و تقدیرات آن سال نازل می شود و برای این کار، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماندارانی هست. ابن عباس عرض کرد: یا امیرمؤمنان! آنان کیانند؟ حضرت فرمود: من و یازده نفر از نسلم؛ امامانی که فرشتگان با آنان سخن می گویند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۶۰).

نکته قابل توجه این که در روایات متعدد به اسامی یازده امام از صلب امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح شده است؛ درحالی که نامی از احمد بصری در آن روایات نیست.

## ۳. خلافت مهدیون پس از امامان علیهم السلام

یکی از تطبیقات پیروان احمد بصری در خلافت دوازده مهدی پس از دوازده امام، این آیه است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ خدا به ایمان آورندگان و دارندگان عمل صالح وعده داده است که آن ها را حتماً در زمین خلیفه کند؛ همان گونه که پیشینیان شما را خلیفه کرده است و دینشان را که برایشان



پسندیده، تمکین بخشد و ترس آنان را به امنیت بدل کند تا مرا بپرستند و هیچ چیز را شریک من قرار ندهند و هر کس پس از آن کفر ورزد، بی شک فاسق است (نور: ۵۵).

وی در این تطبیق، به روایتی از کعب الاحبار استشهد کرده و قبل از نقل روایت می‌نویسد: در روایتی از کعب الاحبار که با توجه به متن آن، نمی‌تواند از خود او و تفاسیر شخصی‌اش باشد؛ (بلکه باید این حدیث از رسول الله ﷺ به وی رسیده باشد) چنین آمده است:

عن کعب الأحبار قال: هم اثنا عشر فاذا كان عند انقضائهم فيجعل مكان اثنا عشر، اثنا عشر مثلهم، و كذلك وعد الله هذه الامة فقراً: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ».

یاران احمد بصری پس از نقل روایت آورده‌اند: خلفایی که خدا خلافت آن‌ها را وعده داده است، همان دوازده مهدی هستند که در آخر الزمان جایگزین دوازده امام می‌شوند و تا روز قیامت حکومت می‌کنند و دولت آن‌ها را «دولت عدل الاهی» نامیده‌اند (www.almahdyoon.com).

## بررسی و نقد

### ۳-۱. بیان اجمالی آیه

این آیه خطاب به همه مسلمانان، اعم از مؤمن و منافق و صالح و طالح است؛ اما وعده جمیل آن، به مؤمنانی اختصاص دارد که اعمال صالح انجام می‌دهند. براساس این آیه، به‌زودی خداوند جامعه صالحی مخصوص نیکوکاران در زمین برقرار و امنیت را جایگزین ترس و وحشت می‌کند و آن‌ها را وارث و مسلط بر زمین قرار می‌دهد؛ همان‌گونه که سنت جاری الاهی در مورد گذشتگان چنین بود و بر اثر آن امنیت و سلطه، شایستگان می‌توانند بدون هیچ مانع و خوفی از جانب کافران و منافقان؛ خدا را عبادت کنند و چیز بی‌شریک او قرار ندهند و امر او را سبک نشمرده و به او کفر نوزند و هیچ‌گونه شرک جلی یا خفی در عبادت او نداشته باشند و هر کس پس از تحقق این وعده، کفر ورزد، قطعاً فاسق و از روش بندگی و عبودیت خارج خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۲۳۹).





### ۳-۲. به کارگیری روایات اهل سنت به نام روایات شیعی

از رویکردهای نادرست جریان احمد اسماعیل بصری، بهره‌گیری از منابع روایی اهل سنت و جلوه دادن در قالب روایات شیعی است. جریان بصری، روایت منقول از کعب الاحبار را به دو منبع شیعی (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۴۷۴ و همان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۵۱)؛ ارجاع داده‌اند؛ در حالی که در روایتی که در کتاب خصال و عیون اخبار الرضا آمده، از جانشینی دوازده مهدی پس از دوازده امام مطلبی نیامده است:

«عَنْ كَعْبِ الْأَخْبَارِ قَالَ فِي الْخُلَفَاءِ هُمْ اثْنَا عَشَرَ فَإِذَا كَانَ عِنْدَ انْقِضَائِهِمْ وَآتَى طَبَقَةَ صَالِحَةٍ مَدَّ اللَّهُ لَهُمْ فِي الْعُمُرِ كَذَلِكَ وَعَدَّ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ ثُمَّ قَرَأَ: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ قَالَ وَكَذَلِكَ فَعَلَ اللَّهُ بِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ وَ لَيْسَتْ بِعَزِيزٍ أَنْ تَجْمَعَ هَذِهِ الْأُمَّةَ يَوْمًا أَوْ نِصْفَ يَوْمٍ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ عمرو بكائی از کعب الاحبار نقل می‌کند که در باره خلفا گفت: آنان دوازده نفرند که وقتی به پایان رسیدند و طبقه شایسته‌ای سر کار آمدند، خدا عمرشان را طولانی می‌کند. خدا به این امت چنین وعده داده است. سپس این آیه را خواند: خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده که آنان را جانشینان زمین کند؛ همان‌گونه که پیشینان آنان را جانشینان کرده بود. او گفت: خدا با بنی اسرائیل نیز چنین کرد و دشوار نیست که این امت را یک روز یا یک نصف روز يك جا جمع کند و يك روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است، از آنچه می‌شمرند» (همان).

تنها کتابی که روایت کعب الاحبار را آورده، تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم (ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۸، ص ۲۶-۲۸)، از تفاسیر روایی اهل سنت است.

### ۳-۳. تعارض با مبانی شریعت

اگر تطبیق و تأویل با اصول و مبانی شریعت مخالف باشد، ناپذیرفتنی است؛ یعنی شرط صحت تطبیق و تأویل، سازگاری با مبانی شریعت است؛ درحالی‌که لازمه اعتقاد به روایت کعب الاحبار، این است که تعداد ائمه ۲۴ تن باشند؛ چون در روایت آمده است: «هم اثنا عشر، فإذا كان عند انقضاءهم فيجعل مكان اثني عشر اثنا عشر مثلهم.» از عبارت «مثلهم» به دست می‌آید که دوازده تن بعدی از هر جهت مانند دوازده نفر نخست هستند و این در تعارض است با مسلمات



شیعه که تعداد ائمه را دوازده تن می‌داند.

#### ۴. تطبیق «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» بر فرزندان امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

پیروان احمد اسماعیل بصری در تطبیق آیات «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا \* وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا \* وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (شمس: ۱-۳)؛ از این روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مدد جسته‌اند:

«وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»، یَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا»، یَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، یَعْنِي الْأَئِمَّةَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَتَلَكَّوْنَ الْأَرْضَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَمْلُئُوهَا عَدْلًا وَقِسْطًا الْمُعِينُ هُمْ كَمُعِينِ مُوسَى عَلَى فِرْعَوْنَ وَ الْمُعِينُ عَلَيْهِمْ كَمُعِينِ فِرْعَوْنَ عَلَى مُوسَى؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «قسم به خورشید و تابندگی اش»، یعنی رسول الله؛ «و ماه در آن هنگام که پس از او در آید»، یعنی امیرمؤمنان علی بن ابی طالب؛ «و روز در آن زمان که روشنش سازد»، یعنی امامان از ما اهل بیت که در آخر الزمان مالک زمین خواهند شد و زمین را از داد پر خواهند کرد. یاری کننده آن‌ها مانند کسی است که حضرت موسی را در برابر فرعون یاری کرده و یاری کننده دشمنان آنان، مانند کسی است که فرعون را در برابر حضرت موسی یاری کرده است (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۶۳).

ایشان در ادامه آورده است: «و روز آن زمان که روشنش کند»، اشاره به افرادی دارد که در آخر الزمان مالک زمین می‌شوند و آن را از عدل و داد پر می‌کنند. نکته قابل توجه این است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ این افراد را با صیغه جمع، «الْأَئِمَّةَ أَهْلَ الْبَيْتِ» معرفی می‌فرماید. اگر حضرت می‌فرمود: «امامی از ما اهل بیت»؛ به یک شخص یعنی قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ مربوط بود؛ اما زمانی که می‌فرماید: «امامانی از ما اهل بیت»، بدان معناست که آن‌ها چندین نفرند.

بر این اساس، این آیه به امامانی مربوط است که در آخر الزمان دنیا را از عدل پر می‌کنند که آن‌ها امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ و امامان (مهدیون) از فرزندان ایشان هستند» (www.almahdyoon.com).

#### بررسی و نقد

#### ۴-۱. بیان اجمالی آیه

سوره شمس پس از قسم‌های هفتگانه، روشن می‌کند، انسانی که با الهام خدایی، تقوا را از گناه و کار نیک را از کار زشت تشخیص می‌دهد؛ اگر بخواهد سعادت‌مند شود، باید باطنش را تزکیه کند



و آن را با عمل صالح بیوراند و با تقوا بیاراید و از زشتی‌ها پاك کند؛ وگرنه از سعادت محروم می‌ماند. هر قدر بیش تر آلوده‌اش کند و کم‌تر بیاراید، محرومیتش بیش تر می‌شود. آن‌گاه برای استشهداد، داستان ثمود را بیان می‌کند که به جرم تکذیب حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَامُ ناقه اعجازی وی را کشتند و به عذاب نابودی گرفتار شدند و با بیان این داستان اهل مکه را سرزنش می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ص ۲۹۶).

#### ۲-۴. ناآگاهی از قواعد ادبیات عرب

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه **﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾** می‌فرماید: «يَعْنِي الْأُمَّتَةَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَمْلِكُونَهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا» انصار احمد بصری می‌گویند: امام در تفسیر آیه از صیغه جمع استفاده کرده است. پس آیه به یک شخص (= قائم) مربوط نیست و قابل تطبیق بر مهدیون است؛ در حالی که در موارد متعدد ملاحظه می‌شود که آیه به صورت صیغه جمع آمده؛ اما مصداقش فقط یک فرد است:

۱-۲-۴. «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ»؛ اینان کسانی بودند که برخی به آنان گفتند: مردم [= لشکر دشمن] برای حمله به شما اجتماع کرده‌اند، از آن‌ها بترسید (آل عمران: ۱۷۳). منظور از «النَّاسُ» طبق تصریح مفسران «نعیم بن مسعود» است که از «أبوسفیان» اموالی گرفته بود تا مسلمانان را از قدرت مشرکان بترساند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۳۱).

۲-۲-۴. «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ»؛ خدا شنید سخن آن‌ها را که گفتند خدا فقیر است و ما بی‌نیازیم (آل عمران: ۱۸۱). به گفته مفسران، مراد از «الَّذِينَ» در آیه، «حُیَیُّ بن أخطب» یا «فحاص بن عازوراء» است (طبری، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۲۹ و ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۵۵).

۳-۲-۴. «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ»؛ ابراهیم به تنهایی امتی بود مطیع فرمان خدا (نحل: ۱۲۰). در این آیه نیز کلمه «أُمَّت» بر یک فرد اطلاق شده است.

#### ۳-۴. تطبیق آیه بر ائمه و قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

از ضوابط تطبیق صحیح که از تحمیل عقیده و رأی نادرست بر آیات قرآن و به تبع از تفسیر به



رأى مذموم در فهم آیات و مفاهیم قرآن جلوگیری می‌کند؛ عدم تناقض تطبیق با سنت معتبر است. پیروان احمد بصری آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» را بر مهدیون تطبیق کرده‌اند؛ در حالی که این آیه در روایات بر ائمه و قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام تطبیق شده است:

۱-۳-۴.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا»، قَالَ: [هُوَ] رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»، قَالَ: [هُوَ] عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام؛ «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، قَالَ: الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَام؛ «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»، قَالَ: بَنُو أُمِّيَّةَ (حسکانی، ۱۴۱: ج ۲، ص ۴۳۲ و ۴۳۳).

۲-۳-۴.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: قَالَ الْحَارِثُ [بْنُ عَبْدِ اللَّهِ] الْأَعْوَرُ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا»، قَالَ وَيَحْتَكَ يَا حَارِثُ ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَوْلُهُ: «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»، قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام يَثْلُو مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قُلْتُ: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، قَالَ ذَلِكَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۶۳).

با عنایت به روایات تفسیری، تطبیق آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» به امامانی که در آخر الزمان دنیا را از عدل و داد پر می‌کنند و سرایت آن بر امامانی از فرزندان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام؛ ادعایی بدون دلیل و تفسیر به رأی است.

## ۵. احمد بصری مصداق «دَابَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ»

در روایات به پاره‌ای از نشانه‌های پیش از رستاخیز اشاره شده که یکی از آن‌ها «خروج دابَّةِ الأرض» است: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»؛ و هنگامی که فرمان عذاب آن‌ها رسد و در آستانه رستاخیز قرار گیرند، جنبنده‌ای را از زمین برای آن‌ها خارج می‌کنیم که با آنان سخن می‌گوید که چرا مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند» (نمل: ۸۲). احمد اسماعیل بصری می‌گوید، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه فرمود: مقصود از دابَّةِ الأرض، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۳۰).

وی می‌افزاید: جنبنده در این آیه انسان است و روایاتی وجود دارند که آن را علی بن



ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ می خواند و این امر در رجعت صورت می گیرد؛ ولی جنبنده زمینی نیز وجود دارد که در آخرالزمان خارج می شود و با مردم سخن می گوید و آن ها را بر تکذیب آیات الاهی نکوهش و برای جداکردن مؤمن از کافر نشان دارشان می کند. بسی روشن است که این رخداد، هنگام ظهور قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ است نه رجعت؛ و جنبنده در این جا یمانی و مهدی نخست است که پیش از قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ قیام می کند و با مردم سخن می گوید و آن ها را تو بیخ می کند و کفر آن ها به آیات ملکوتی خدا و تمایلشان به ماده و شهوات و روی گردانی آن ها را از ملکوت آسمان ها برایشان آشکار می کند (البصری، بی تا: ج ۴، ص ۵۱).

## نقد و بررسی

### ۱-۵. بیان اجمالی آیه

«دابة»، یعنی جنبنده و «ارض» به معنای زمین است و بر خلاف پندار برخی، «دابة» فقط به جنبندگان غیر انسانی گفته نمی شود؛ بلکه مفهوم گسترده ای دارد که انسان ها را نیز در بر می گیرد: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر این که روزی او بر خداست» (هود: ۶). در مورد مصداق این کلمه، قرآن مجید، سر بسته از آن گذشته، گویا بنا بر اجمال و ابهام بوده و تنها به سخن گفتن آن با مردم بسنده و افراد بی ایمان را به اجمال مشخص می کند؛ ولی در روایات اسلامی و سخنان مفسران، بحث های فراوانی در این زمینه دیده می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۵، ص ۵۵۱).

### ۲-۵. تطبیق دابة الأرض بر حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ

در روایات، چنین آمده است:

۱-۲-۵. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا دَابَّةُ الْأَرْضِ؛ مَنْ دَابَّةُ الْأَرْضِ» (حلی، ۱۴۲۱: ص ۴۸۳).

۲-۲-۵.

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَأْكُلُ خُبْرًا وَخَلًّا وَزَيْتًا فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ» فَمَا هَذِهِ الدَّابَّةُ قَالَ هِيَ دَابَّةٌ تَأْكُلُ خُبْرًا وَخَلًّا وَزَيْتًا؛ در حالی که محضر



امیرمؤمنان علیه السلام رسیدم که نان و سرکه و زیتون می خورد. گفتم: ای امیرمؤمنان! مراد از «دابة» در این سخن خدای بزرگ: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ...» چیست؟ حضرت فرمود: «آن که نان و سرکه و زیتون می خورد!» (همان، ص ۴۸۶).

### ۳-۵. تناقض سخن احمد بصری در مصادیق دابة الأرض

احمد بصری در نوشتار خود آورده است: «برخی روایات، گویای انطباق دابة الأرض بر علی بن ابی طالب علیه السلام است که در رجعت صورت می گیرد.» در ادامه می گوید: «بی شک این رخداد هنگام رجعت نیست؛ بلکه زمان ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مراد از جنبنده، یمانی و مهدی نخست است.» بدیهی است که در این دو گفته تناقضی آشکار وجود دارد.

### ۴-۵. تناقض سخن احمد بصری در زمان خروج دابة الأرض

احمد بصری می گوید: «جنبنده، مهدی نخست است که پیش از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند و با مردم سخن می گوید و آن ها را سرزنش می کند؛ لیکن با توجه به روایات، مهدیون پس از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند آمد. پس این سخن که جنبنده، مهدی آغازین و پیش از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است، با روایات یادشده سازگاری ندارد.

### ۵-۵. نبود اشاره به دابة الارض بودن مهدی نخست

بنابر اذعان احمد بصری، روایات، حضرت علی علیه السلام را جنبنده بر روی زمین می شمارند که مهدی نخست در این لقب با او شریک است. البته احمد بصری برای ادعای اشتراک، دلیلی نیاورده است.

### نتیجه گیری

مواردی که در این مقاله به آن ها اشاره شد، صرفا بخشی از اشتباهات احمد بصری در مقوله تطبیق آیات قرآن در موضوع مهدیون است. با بررسی و نقد مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون، نتایج زیر ملاحظه می شوند:

۱. احمد بصری و پیروان او، مکرر از ضوابط تطبیق صحیح که از تحمیل عقیده و رأی نادرست بر آیات قرآن و به تبع از تفسیر به رأی مذموم در فهم آیات و مفاهیم قرآن جلوگیری می کند؛



فاصله گرفته و در تطبیقات مرتکب، تناقض با سنت معتبر شده‌اند.

۲. پیروان جریان بصری، برای اثبات ادعای خود در برخی مواقع، روایاتی را از منابع اهل سنت نقل کرده و آدرس جعلی از منابع شیعی داده‌اند؛ در حالی که در مصادر شیعی چنین روایاتی وجود ندارند.

۳. در دایة الأرض بودن احمد اسماعیل بصری به عنوان مهدی نخست، اشکالات و تناقضات متعدد وجود دارد.

نکته قابل توجه آن است که با توجه به دیدگاهی که پیروان احمد بصری به وی، به عنوان «مهدی اول» دارند؛ اگر در میان ده‌ها اشکال موجود، صرفاً یکی از آن‌ها اثبات شود، بنیان این دیدگاه ویران خواهد شد.



## منابع

### قرآن كريم

١. آلوسی، محمود بن عبدالله (١٤١٥ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٢. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (١٣٦٧). *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، مصحح: محمود محمد طنحی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
٣. ابن بابویه، علی بن حسین (١٤٠٤ق). *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام روح الشرف.
٤. ابن طاووس، علی بن موسی (١٤١٣ق). *اليعين باختصاص مولانا علی عليه السلام بإمرة المؤمنين*، قم، دارالکتب.
٥. ابن فارس، أحمد بن فارس (١٤٠٤ق). *معجم مقاييس اللغة*، قم، مكتب الاعلام الاسلامی.
٦. ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق). *لسان العرب*، مصحح: جمال الدين مير دامادی، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٧. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٩ق). *تفسير القرآن العظیم*، مصحح: اسعد محمد طیب، ریاض، مكتبة نزار مصطفى الباز.
٨. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (١٤١٩ق). *تفسير القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٩. البصری، احمد اسماعیل (بی تا). *المتشابهات*، بی جا، بی تا.
١٠. \_\_\_\_\_ (بی تا). *نصيحة الى طلبة الحوزات العلمية*، بی جا، بی تا.
١١. ازهری، محمد بن احمد (٢٠٠١م). *تهذيب اللغة*، محقق: محمد عوض مرعب، بیروت، دار احیاء التراث.
١٢. جوادی آملی، عبدالله (١٣٩٥). *ادب فنای مقربان*، قم، نشر اسراء.
١٣. جوهری، اسماعیل بن حماد (١٤١٥ق). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملایین.
١٤. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (١٤١١ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، مؤسسه الطبع و النشر.
١٥. حلّی، حسن بن سلیمان (١٤٢١ق). *مختصر البصائر*، ایران، قم، جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
١٦. خزاز رازی، علی بن محمد (١٤٠١ق). *کفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق: عبد اللطیف حسینی کوه کمري، قم، بیدار.
١٧. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة.





١٨. زمخشري، محمود بن عمر (١٤٠٧ق). **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل**، بيروت، دار الكتاب العربي.
١٩. سيدرضي، محمد بن الحسين (١٣٩٨). **نهج البلاغه**، مترجم: ناصر مكارم، قم، انتشارات اميرالمؤمنين عليه السلام.
٢٠. سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر (١٤٠٤ق). **الدر المنثور في التفسير بالماثور**، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
٢١. شيخ حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٢٥ق). **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، بيروت، اعلمي.
٢٢. صدوق، محمد بن علي (١٣٧٨ق). **عيون أخبار الرضا عليه السلام**، مصحح: مهدي لاجوردی، تهران، نشر جهان.
٢٣. \_\_\_\_\_ (١٣٩٥ق). **كمال الدين و تمام النعمة**، مترجم: علي اكبر غفاري، تهران، اسلاميه.
٢٤. \_\_\_\_\_ (١٤١٣ق). **من لا يحضره الفقيه**، مترجم: علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٥. \_\_\_\_\_ (١٣٦٢). **الخصال**، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٦. طباطبائي، محمد حسين (١٣٩٠ق). **الميزان في تفسير القرآن**، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٢٧. طبرسي، فضل بن حسن (١٣٧٢). **مجمع البيان لعلوم القرآن**، تهران، ناصر خسرو.
٢٨. طبري، محمد بن جرير (١٤١٢ق). **جامع البيان عن تأويل آيات القرآن**، بيروت، دار المعرفة.
٢٩. طوسي، محمد بن الحسن (١٤١١ق). **الغيبه**، قم، دار المعارف الإسلامية.
٣٠. عده ای از علماء (١٣٦٣). **الأصول الستة عشر**، قم، دار الشبستري للمطبوعات.
٣١. عياشي، محمد بن مسعود (١٣٨٠ق). **التفسير**، مترجم: هاشم رسولي محلاتي، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية.
٣٢. فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠ق). **التفسير الكبير**، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
٣٣. فراهيدي، خليل بن أحمد (١٤٠٩ق). **كتاب العين**، قم، نشر هجرت.
٣٤. فيض كاشاني، محمد (محسن) (١٤١٥ق). **تفسير الصافي**، مصحح: اعلمي حسين، تهران، مكتبة الصدر.
٣٥. قمي، علي بن ابراهيم (١٣٦٣). **تفسير القمي**، مصحح: طيب موسوي جزايري، قم، دار الكتاب.
٣٦. كليني، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق). **الكافي**، مترجم: علي اكبر غفاري و محمد آخوندی، تهران، دار الكتب الإسلامية.



۳۷. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسه الطبع و النشر.
۳۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۸). *پیام قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۴۴. یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق). *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام*، مصحح: علی عاشور، بیروت، مؤسسه الأعلمی.

45. <https://www.almahdyoon.com>